

راجدی بگیرد



روانشناختی فیلم را جلو ببرم و فیلم هم بیشتر روانشناختی هست تا وحشت. هدف من ترساندن مخاطب نبوده بلکه هدفم ترساندن قهرمان فیلم بوده که اشتباهی در گذشته کرده که از نظر من یک اشتباه ناهنجار اجتماعی است و ممکن است تبعاتی برایش داشته باشد که من آن تبعات را بدین شکل نشان دادم.

از سینمای کوتاه در زمینه اکران چقدر حمایت می‌شود؟

این حمایت بسیار ضعیف است فیلمساز کوتاه هزینه می‌کند، زمان می‌گذارد و فیلمی می‌سازد. حال باید چه کند؟ فیلمش را کجاست نمایش دهد برای دوستان و خانواده‌اش؟!

باید شرایط اکران برایش فراهم شود. مادر گروه‌های سینمایی مان هیچ گروه ویژه‌ای مخصوص اکران فیلم‌های کوتاه نداریم در حالیکه تعداد زیادی مخاطب فیلم کوتاه داریم که حاضرند هزینه کنند و در سینما فیلم کوتاه ببینند. گروه هنر و تجربه یک حرکت جدید را آغاز کرده که باید از این حرکت حمایت کنیم همینطور دوستان انجمن سینمای جوان با یک پیشنهاد جذاب در یک پروسه دو ساله ۵ فیلم در یک ژانر معرفی کردند که حرکت بسیار ارزنده‌ای بود و باعث شد تا این آثار در کنار هم در یک پکیج اکران شوند. باید انگیزه ایجاد شود و گروه سینمایی ویژه برای فیلمسازان فیلم کوتاه در نظر بگیرند مثلاً چندین سالن سینما در تهران به شکل مستمر فیلم کوتاه نمایش دهند. حتی پخش آثار کوتاه برگزیده از تلویزیون میتواند به بیشتر دیده شدن و شناخت مخاطب از این آثار و ژانرهای متفاوتشان کمک کند به این شکل این سلیقه دو قطبی شده بین کم‌دی و درام اجتماعی که به نوعی مخاطب مجبور به آن است کم کم تغییر می‌کند و شاهد تولید آثار در ژانرهای متفاوت خواهیم بود.

یاسر برزگر کارگردان فیلم کوتاه به چوم به لنگ

افسانه‌های کهن پتانسیل بالایی دارند

ایده اولیه فیلم و الهام گرفتن از یک افسانه کهن مازنی چگونه شکل گرفت؟

در دوران ابتدایی معلمی داشتم که یک چشمش کور بود و ما را به شکل‌های مختلفی می‌ترساند. او در مورد چشمش داستان‌های ترسناکی تعریف می‌کرد. دوست داشتم که این ایده را که برگرفته از واقعیت بود بسازم اما آنگونه نمی‌شد که حق مطلب را ادا کند. من شروع به مطالعه و تحقیق در مورد داستان‌های کهن و افسانه‌های بومی مازندران کردم و «یه چوم به لنگ» را خیلی نزدیک به ایده اصلی خود یافتم. در این تحقیقات به این نتیجه رسیدم که چه پتانسیل بالایی در این افسانه‌های کهن حتی برای ساخت فیلم بلند وجود دارد. ایران کشور بزرگی است که در هر منطقه آن افسانه‌های بومی و کهن فراوانی وجود دارد و این پتانسیل نباید اینقدر مهجور بماند.

در مورد کست و از چالش کار با بازیگران کودک و نوجوان بگویید.

آقای رضا عموزاد که نقش معلم را بر عهده دارند، بازیگر حرفه‌ای سینما هستند و عوامل پشت صحنه همگی حرفه‌ای بودند اما چهار بازیگر کودک و نوجوان این کار را از آموزشگاه آقای ابوالحسنی که استاد بازیگری خودم در بابل بود انتخاب کردم و دو بازیگر کودک را که ناباب‌یگر هستند. کار با کودکان مخصوصاً در این ژانر برایم بسیار چالش برانگیز و نحوه هدایت آنها تجربه جالبی بود چرا که این بچه‌ها اولین بار بود که جلوی دوربین می‌رفتند. تلاش ما این بود که بازی آن‌ها تصنعی نباشد و به لهجه مازنی مسلط باشند و چون فضای فیلم فضای دلهره بود کار با بچه‌های ناباب‌یگر و کم تجربه‌تر کمی سخت بود، اما فضایی که در پشت صحنه ایجاد شده بود و محیطی که داشتیم خیلی کمک کرد تا نتیجه دلخواهمان باشد.

سخن پایانی

یکی از مسائل دوستانی که فیلم کوتاه کار می‌کنند این است که سرمایه‌گذاران اعتماد نمی‌کنند چرا که برگشت سرمایه وجود ندارد و اکثراً به صورت مستقل فیلم‌ها تهیه می‌شوند مثلاً استفاده از کست حرفه‌ای در پشت صحنه هزینه زیادی برای تولید این فیلم ایجاد کرد. چالش اصلی ما صنعتی نیست و ما ابزار ساخت فیلم‌های با کیفیت را داریم فقط اگر از طرف سرمایه‌گذاران حمایت شود، نهادهایی که می‌توانند سالن‌های بیشتری در اختیار این فیلم‌های کوتاه قرار بدهند و صدا و سیما یا نهادهای مختلف در تبلیغات فیلم کوتاه کم کاری نکنند فیلم کوتاه مخاطب خود را خواهد یافت چه بسا که هم اکنون هم مخاطب دارد در هر ژانری بخصوص همین ژانر وحشت اما تبلیغات کافی برای اینکه مخاطب بداند کجا و به چه شکل باید با فیلم کوتاه ارتباط داشته باشد وجود ندارد. تنها امید ما شرکت در جشنواره است تا تهیه‌کننده‌ای اثر ما را ببیند و مجاب به همکاری با ما شود. ولی خب من بسیار سرسخت هستم و کوتاه نمی‌آیم در حال حاضر فیلم کوتاه دیدگی را می‌خواهم بسازم و امید دارم که از طریق این فیلم‌های کوتاه بتوانم در آینده یک فیلم بلند بسازم.

کند و ژانر وحشت دوباره پایش به سینمای ایران باز شود درست همانطور که مرحوم خاجیکیان که تبریزی بودند و فیلم‌های بسیار خوبی در این ژانر ساخته‌اند. امیدوارم که دوباره در سینمای بلند ما ژانر وحشت فعال شود و اکران‌های مخصوص به خودش را داشته باشد چرا که مخاطب خاص خود را دارد.

علی کیان اثری کارگردان فیلم کوتاه ترپیلکس فیلم بیشتر روانشناختی است از همکاری با خانم مریم بحر العلومی نویسنده فیلمنامه ترپیلکس بگویید

سابقه همکاری و دوستی ما به سال‌ها قبل برمی‌گردد. حرفه اصلی من قبل از فیلمسازی، صدارداری است و افتخار این را داشتم که در فیلم‌های بلندی که ایشان ساخته و وظیفه صدارداری را بر عهده داشته باشم. من ایده‌های داشتم و مطرح کردم و ایشان این ایده را تبدیل به فیلمنامه کردند که فکر می‌کنم به بهترین نحو ممکن این کار را انجام دادند. این ایده سال‌ها در ذهن من بود ولی نه به این پختگی، ولی خانم بهار بحر العلومی در مراحل تبدیل ایده به فیلمنامه اثر را به پختگی مطلوب رساندند و از این مطلب بسیار راضی هستم.

تفاوت ترپیلکس با دیگر آثار ژانر وحشت چیست؟

باگی در بسیاری از آثار این ژانر هست و در محتوا ضعف دارند یا کاراکتر ترسناکی خلق می‌کنند که مخاطبی را برترسانند یا یک موقعیت ترسناک ایجاد می‌کنند و ته فیلم مخاطب از خود می‌پرسد که پیام فیلم چه بود من سعی کردم که این اتفاق نیفتد. بر اساس قوانین محیطی، عرفی و بدون هنجار شکنی تلاش کردم تا در یک فضای دلهره آور با رویکرد

برمی‌گردد و خط آهنی از کنار آن رد می‌شود. ما از این لوکیشن بسیار بهره بردیم هر چند که به سختی توانستیم مجوزهای لازم برای فیلمبرداری در آن محل را کسب کنیم اما محیط بسیار عجیب و غریبی داشت. حتی خانه‌ای که فیلم در آن ساخته شده قبلاً خانه مدیر سیلو بوده و همزمان با ساخت سیلو ساخته شده است.

در مورد بازیگران سرسام بگویید.

شخصیت مرد داستان آقای یوسف علی در یادل و معلم تئاتر در شهر خوی هستند. در دهه ۶۰ در چند فیلم سینمایی حضور داشتند همینطور در فیلم آتابای و موقعیت مهدی با آقای حجازی فر همکاری داشته‌اند و خانم محدثه حیرت هم بازیگر تئاتر هستند و چند فیلم سینمایی کار کرده‌اند. ایشان در فیلم او، نقش اصلی را عهده‌دار بودند.

از چالش‌های روند تولید بگویید.

مهمترین چالش ما هزینه تولید بود که خوشبختانه به خاطر همکاری عوامل که خب واقعا دستمزدی که ما به آنها دادیم به هیچ عنوان به دستمزد واقعی که باید پرداخت می‌شد نزدیک نبود موفق به مدیریت آن شدیم و مسئله دوم هم لوکیشن بود که یک ماه و نیم طول کشید تا ما از طریق مجاری مختلف مجوز بگیریم چرا که سیلو فعال و در حال کاربری بود و حدود ۸ روز باید کاملاً در اختیار ما می‌بود.

سخن پایانی

ممنونم از گروه هنر و تجربه که سراغ ژانر وحشت رفته‌اند و بسته‌ای را آماده کرده‌اند که به نام یک ژانر مشخص اکران می‌شود. این می‌تواند پیام بسیار مثبتی برای جامعه فیلم کوتاه باشد که برای اکران حمایت می‌شوند، حتی اگر ژانر وحشت باشد. متأسفانه سینمای ایران کمی از این ژانر دور شده و امیدوارم که فیلم کوتاه بتواند این نقصان را کمی جبران